

بررسی تأثیر نوع مالکیت بر عملکرد سیستم بانکی؛ مطالعه موردی بانک‌های ایران

علی نصیری اقدم

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

Alin110@atu.ac.ir

پریسا مهاجری

استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

Parisa_m2369@yahoo.com

الهه افروز کلاردهی

کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول)

elahehafrozkeladehi@yahoo.com

پژوهش حاضر به بررسی اثر نوع مالکیت بانک‌ها بر عملکرد آنها در ایران پرداخته است. عملکرد بانک‌ها با سه شاخص بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی، نسبت هزینه به درآمد عملیاتی اندازه‌گیری شده است. دارایی‌های بانک‌ها، نسبت تسهیلات به سپرده، نسبت نقدینگی، نسبت اهرمی، نسبت حاشیه سود عملیاتی و نسبت کل سپرده به کل بدهی به عنوان متغیرهای کنترل وارد مدل شده‌اند. سه متغیر دامی برای بررسی اثر مالکیت، اثر خصوصی‌سازی و اثر فهرست شدن در بورس اوراق بهادار نیز در مدل تعریف شده است. دوره زمانی مطالعه ۱۳۹۴-۱۳۸۳ است. این تحقیق برای ۱۷ بانک به ترتیب ۷ بانک خصوصی، ۶ بانک دولتی و ۴ بانک دولتی خصوصی شده انجام گرفته است. به طور کلی نتایج مدل میانگین جمعیت معادلات برآوردی تعمیم یافته در نرم‌افزار stata14.2 حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی از شاخص‌های عملکرد بهتری در مقایسه با بانک‌های دولتی برخوردار هستند. اما خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی آنطور که انتظار می‌رفته منجر به بهبود و افزایش کارایی بانک‌ها نشده است.

طبقه‌بندی JEL: G28، G21

واژگان کلیدی: بانک دولتی، بانک خصوصی، خصوصی‌سازی، ساختار مالکیت،

مدل میانگین جمعیت معادلات برآوردی تعمیم یافته

مقدمه

بانک‌ها قلب سیستم مالی هستند و نقش مهمی در فرآیند تجهیز پس‌اندازها، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و متنوع‌سازی ریسک ایفا می‌کنند. بانک‌ها اصلی‌ترین تأمین‌کننده منابع مورد نیاز بخش‌های اقتصادی محسوب می‌شوند و طبیعی است که رشد هر یک از فعالیت‌های اقتصادی از پویایی‌های سیستم بانکی تأثیر می‌پذیرد. (هانگ سون^۱، ۲۰۱۵).

در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی و در پی اتخاذ سیاست‌هایی در راستای کاهش مداخله دولت و اهتمام به فراهم‌سازی بسترهای لازم برای فعالیت هرچه بیشتر بخش خصوصی و ایجاد رقابت در اقتصاد، راهبرد خصوصی‌سازی به عنوان یکی از سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت (کمیجانی، ۱۳۸۲). به طوری که از دیدگاه طرفداران خصوصی‌سازی، این اقدام جزء منطقی تغییر مسیر استراتژی توسعه و تکیه بیشتر بر مکانیزم بازار و افزایش بهره‌وری و کاهش اندازه بخش دولتی است. بخش بانکی نیز از این تحولات بی‌نصیب نبوده و موج گسترده‌ای از خصوصی‌سازی در این حوزه نیز طی دهه‌های اخیر مشاهده می‌شود.

تحولات مشابهی نیز در حوزه بانکی در ایران رخ داد به طوری که در سال ۱۳۷۹ و در راستای دستیابی به اهدافی نظیر بهینه‌سازی نظام مدیریت منابع و مصارف، کاهش مطالبات سررسید گذشته و معوق و به طور کلی افزایش کارایی بانک‌ها، مجوز تأسیس بانک‌های خصوصی صادر شد. همچنین در پی اجرایی نمودن موضوع ماده (۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و الزام دولت به واگذاری شرکت‌ها و مؤسسات مالی، بانک‌های صادرات، ملت، تجارت و رفاه از سال ۱۳۸۷ به بعد خصوصی شدند. در این میان، پرسش‌های متعددی به ذهن متبادر می‌شود که هدف این مقاله، پاسخگویی به آن‌هاست: اولاً آیا خصوصی‌سازی بانک‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری بر شاخص‌های عملکرد آنها (نظیر بازده حقوق

صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها، نسبت هزینه به درآمدهای عملیاتی) داشته است؟ ثانیاً آیا نوع مالکیت بانک‌ها (دولتی یا خصوصی) بر شاخص‌های عملکرد اثرگذار است؟ ثالثاً آیا عرضه سهام بانک‌های دولتی خصوصی شده در بورس اوراق بهادار اثر مثبت و معنی‌داری بر عملکرد آن‌ها داشته است؟

در راستای پاسخ به پرسش‌های مذکور، مقاله حاضر در پنج بخش سازماندهی شده است. چارچوب نظری تأثیر نوع مالکیت بانکی بر عملکرد بانک‌ها، محور بخش نخست مقاله است. در بخش دوم، مروری مختصر بر مطالعات پیشین صورت خواهد گرفت. بخش سوم مقاله، به تشریح پایه‌های آماری و معرفی متغیرهای مورد استفاده، اختصاص یافته است. نتایج برآورد مدل و بحث درباره نتایج تخمین در بخش چهارم ارائه خواهد شد و در بخش پایانی نیز مشاهدات و یافته‌های مقاله جمع‌بندی می‌شود.

۱. چارچوب نظری؛ آیا نوع مالکیت بانک‌ها بر عملکرد آنها اثرگذار است؟

ساختار مالکیت به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده عملکرد بنگاه‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است. یکی از ابعاد مهم ساختار مالکیت، ساختار مالکیت خصوصی در مقابل ساختار مالکیت دولتی یا عمومی است. بر اساس نظر شلايفر^۱ (۱۹۹۸)، مالکیت خصوصی عموماً بر مالکیت دولتی مرجح است به ویژه هنگامی که انگیزه‌های نوآوری و کاهش هزینه‌ها در بنگاه‌های اقتصادی قوی باشد و رقابت بین عرضه‌کنندگان، مکانیسم‌های شهرت و خوشنامی^۲، امکان‌پذیری ارائه خدمات توسط بنگاه‌های خصوصی، فساد و قیومیت سیاسی^۳، وارد جریان بازی شوند. البته در برخی موقعیت‌ها نیز ممکن است مالکیت خصوصی بهینه نباشد. طبق مطالعه شلايفر و ویشنی^۴ (۱۹۹۷)،

1. Shleifer
2. Reputational Mechanisms
3. Political Patronage and Corruption
4. Shleifer and Vishny

قدرت انحصاری^۱، آثار خارجی^۲ و مباحث توزیعی^۳ عموماً نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند مبنی بر اینکه ممکن است مالکیت خصوصی، بالاترین منافع را در پی نداشته باشد.

به طور کلی دو نظریه در خصوص تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد وجود دارد که عبارتند از نظریه «حکمرانی شرکتی»^۴ که توسط شلايفر و ویشنی (۱۹۹۷) به تفصیل مطرح شده است و نظریه «بازارهای رقابت‌پذیر و هزینه نمایندگی یا کارگزاری»^۵ که توسط کانی^۶ (۲۰۰۰) ارائه گردید. بر اساس نظریه نخست، بنگاه‌های با مالکیت دولتی به طور فنی توسط دولت کنترل شده و به وسیله بروکرات‌های سیاسی اداره می‌شوند که می‌توان تصور نمود که این بروکرات‌ها از «حقوق کنترل کاملاً متمرکز»^۷ برخوردارند اما «حقوق گردش نقدینگی»^۸ قابل توجهی ندارند. بروکرات‌های سیاسی، اهدافی دارند که غالباً توسط منافع سیاسی آنها تأمین می‌شود اما منافع ایشان با بهبود در رفاه اجتماعی و حداکثرسازی ارزش بنگاه در تضاد هستند. دلالت اصلی این نظریه آن است که بانک‌های دولتی به دلیل انگیزه‌های خاص بروکرات‌ها و مدیران بانک‌ها، عملکرد ضعیف‌تری در مقایسه با بانک‌های خصوصی دارند.

کانی (۲۰۰۰) با استفاده از نظریه «بازارهای رقابت‌پذیر و هزینه کارگزاری»، مدل عمومی از «چرخه زندگی بحران بانکی ناشی از مقررات»^۹ ارائه نموده و بینش بهتری را از تفاوت‌های الگوی عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی در طول زمان فراهم می‌کند. وی در مطالعه خود به این

1. Monopoly Power
2. Externalities
3. Distributional Issues
4. Corporate Governance Theory
5. Agency-Cost and Contestable-Markets Theory
6. Kane
7. Extremely Concentrated Control Rights
8. Significant Cash Flow Rights

در واقع این مطلب اشاره دارد که شرکت‌های دولتی عملاً مانند شرکت‌هایی عمل می‌کنند که سهام‌شان متمرکز توزیع شده است و بروکرات‌ها در شرکت‌های دولتی عملاً مشابه سهامداران بزرگ در شرکت‌های خصوصی عمل می‌کنند با این تفاوت که حق استفاده از جریان نقد شرکت را ندارند.

9. General Model of Life Cycle of a Regulation-Induced Banking Crisis

بحث می‌پردازد که سیاستمداران امیدوار به انحراف رانت‌هایی هستند که در گذشته از طریق هدایت وام‌های ارزان به بخش‌ها و احزاب قدرتمند سیاسی به دست آورده‌اند. میزان ایجاد این نوع از وام‌های یارانه‌ای برای بانک‌های دولتی بزرگتر از بانک‌های با مالکیت خصوصی است و همین موضوع سبب می‌شود تا اولاً زیان‌هایی برای بانک‌های دولتی به وجود آید که برای آنها ذخیره‌گیری نشده است^۱ و ثانیاً چارچوب گزارش‌دهی و قراردادی برای اداره‌های دولتی نیز به گونه‌ای است که منجر به شکست پاسخگویی مستقیم آنها برای کنترل اندازه یارانه‌ها می‌شود. هنگامی که مقیاس زیان‌های انباشته افزایش یابد، اگر تردیدی درباره خواسته‌ها و توانایی دولت برای تضمین نمودن بدهی‌های رو به رشد و حمایت از سیستم بانکی ورشکسته وجود داشته باشد بحران بانکی بروز خواهد کرد. در طول بحران بانکی، سرعت بدتر شدن وضعیت عملکرد بانک‌های دولتی بالاتر خواهد بود زیرا آنها زیان‌های گسترده‌تری را قبل از بحران داشته‌اند (کورنت و همکاران^۲، ۲۰۰۹).

۲. مروری بر مطالعات پیشین و دستاوردهای اصلی آنها

مطالعات تجربی گسترده‌ای درباره اثر نوع مالکیت بانک‌ها و عملکرد آنها وجود دارد که می‌توان آنها را به سه گروه عمده تقسیم‌بندی نمود؛

- گروه اول: مطالعاتی که بر مالکیت بانک‌ها و تأثیر آن بر مشخصه‌هایی در سطح بانکی نظیر اندازه، ساختار ترازنامه و... تمرکز دارند. هدف اصلی این دسته از مطالعات، بررسی این موضوع است که آیا مالکیت بانک‌ها بر عملکرد آنها که با متغیرهایی نظیر سود، حاشیه عملیاتی، هزینه‌ها و کیفیت سید وام‌ها اندازه‌گیری می‌شود، تأثیر دارد یا خیر؟ برای نمونه دمیرگوک-کونت و هویزینگا^۳ (۲۰۰۰) بر مالکیت خارجی تمرکز کردند و دریافتند که بانک‌های خارجی، حاشیه بهره‌ای و سود بالاتری را خصوصاً در کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌کنند. مایکو، پانیزا و

1. Unbooked Losses
2. Cornett et al.
3. Demirgüç-Kunt and Huizinga

یانز^۱ (۲۰۰۴)، تحلیل جامعی را از مالکیت سیستم بانکی و عملکرد بانک‌ها ارائه نمودند و نتیجه‌گیری کردند که بانک‌های دولتی در کشورهای در حال توسعه، سودهای کمتر، هزینه‌های بالاتر و وام‌های معوق بیشتری در مقایسه با بانک‌های خصوصی دارند. از سوی دیگر، بانک‌های خارجی، سودآوری بالاتر و هزینه‌های کمتری دارند. در هر دوی این مطالعات و پژوهش بعدی که توسط لوی-یایاتی، مایکو و پانیزا^۲ (۲۰۰۷) انجام شد، نویسندگان بر این نکته تأکید کرده‌اند که عملکرد مالی ضعیف بانک‌های دولتی می‌تواند به دلیل مداخله گسترده سیاسی^۳ (مثلاً در اعطای وام و یا تصمیمات استخدام)، ناکارایی‌های عملیاتی^۴ و همچنین وظایف و تکالیف توسعه‌ای‌شان^۵ باشد. همچنین آن‌ها نشان داده‌اند که همبستگی قوی بین مالکیت و عملکرد مالی در کشورهای صنعتی وجود ندارد و بانک‌های دولتی در این کشورها قادر هستند که با وظایف و تکالیف شفاف و ساختار حکمرانی صحیح‌تر و مناسب‌تری به فعالیت پردازند. البته مطالعات متعدد دیگری نیز در سطح کشوری و یا بین کشوری انجام شده است که یافته‌های آنها در جدول (۱) گزارش شده است. همچنین در مطالعه دیگری که برای این منظور در کشور ویتنام برای ۴۴ بانک انجام گرفت، نشان دادند که مالکیت خصوصی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سودآوری بانک‌ها دارد و نسبت تسهیلات معوق رابطه منفی با سودآوری بانک‌ها دارد. (هنگ سون و همکاران^۶، ۲۰۱۵)

• گروه دوم: مطالعاتی که بر تأثیر نوع مالکیت (دولتی یا خصوصی) بر توسعه مالی و رشد اقتصادی تأکید دارند. لاپورتا، لوپز-دی-سیلاناس و شلایفر^۷ (۲۰۰۲) نشان داده‌اند که هر چه سهام دولت در بانک‌های بیشتر باشد توسعه مالی و رشد اقتصادی آهسته‌تر است. بارث، کاپریو و لوین^۸ (۲۰۰۶) نیز

-
1. Micco, Panizza and Yañez
 2. Levy-Yeyati, Micco and Panizza
 3. Extensive Political Interference
 4. Operational Inefficiencies
 5. Development Mandates
 6. Hong Son et al
 7. La Porta, Lopez-de-Silanes and Shleifer
 8. Barth, Caprio and Levine

به نتیجه مشابهی دست یافتند. در مقابل، لوی-یایاتی، مایکو و پانیزا (۲۰۰۷) با استفاده از داده‌های جدیدتر، تکنیک‌های تخمین بهتر و متغیرهای کنترلی بیشتر؛ مطالعه لاپورتا و همکاران (۲۰۰۲) را مورد بازنگری قرار داده و نشان داده‌اند که شواهد این ادعا که عملکرد بانک دولتی موجب رشد اقتصادی و توسعه مالی کمتر می‌شود، قوی نیستند. کرونر و اسکنابل^۱ (۲۰۱۰) و آندریانوآ، دمتریادس و شورتلند^۲ (۲۰۱۰) نیز به نتایج مشابهی دست یافتند. بررسی آن‌ها حاکی از آن بود که اگر توسعه مالی و کیفیت نهادهای سیاسی اندک باشند، ارتباط منفی بین بالا بودن مالکیت دولتی در سیستم بانکی و رشد اقتصادی وجود خواهد داشت که این شرایط دقیقاً بر کشورهای در حال توسعه حاکم است. همراستا با مطالعه لوی-یایاتی و همکاران (۲۰۰۷)، آن‌ها نیز تأثیر منفی مالکیت دولتی و رشد اقتصادی را در کشورهای توسعه یافته تأیید نکردند، اما تأثیر مالکیت دولتی بر رشد، کیفیت نهادها و حکمرانی را بسیار مهم قلمداد کردند.



-
1. Korner and Schnabel
 2. Andrianova, Demetriades and Shortland

جدول ۱. مروری بر مطالعات پیشین (داخلی و خارجی)
در حوزه تأثیر نوع مالکیت بانکی بر شاخص‌های عملکرد بانکی

اسامی محققین	توضیحات و مهم‌ترین یافته‌های مطالعه
بونین و همکاران ^۱ (۲۰۰۲)	آنان به بررسی تأثیر ساختار مالکیت (دولتی، خصوصی و خارجی) بر عملکرد بانک در ۶ کشور بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، مجارستان، لهستان و رومانی - پرداختند. نمونه آنها شامل ۲۲۲ مشاهده مشتمل بر داده‌های مالی و مالکیتی بانک‌ها در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ بود. طبق نمونه مورد استفاده توسط این پژوهشگران، حدود سه چهارم بانک‌ها کاملاً خصوصی و حدود ۴۰ درصد آنها کاملاً در دست سرمایه‌گذاران خارجی قرار داشت. این در حالی است که در کمتر از ۱۵ درصد موارد، اکثریت سهام بانک‌ها به دولت تعلق داشت. نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که سودآوری (با معیار بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام) بانک‌های کاملاً خصوصی بیش از بانک‌هایی است که بخشی از آنها دولتی است و سودآوری بانک‌هایی که کاملاً خارجی هستند از همه بالاتر است. بانک‌های خارجی همچنین بیشترین میزان وام‌دهی به مشتریان را تجربه کردند.
برگر و همکاران ^۲ (۲۰۰۹)	در این مقاله، نویسندگان اثرات تغییرات مالکیتی بر عملکرد بانک‌ها را برای کشور چین مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که عملکرد بانک‌های خصوصی و خارجی به طور معنی‌داری بالاتر از بانک‌های دولتی است همچنین نتایج مطالعه آنان نشان می‌دهد که ریسک‌پذیری و رویکرد حاکمیت شرکتی و اصلاحات بانکی، نقش مهمی در عملکرد بانکی داشته و اختلاف اساسی را در سیستم‌های بانکی در کشورهای مختلف به همراه داشته است.

1. Bonin et al.

2. Berger, Hasan & Zhou

در این مطالعه، اصلاحات مالکیت بانکی و عملکرد بانک‌ها در چین بررسی شده است. محققین در مطالعه خود داده‌های ۶۰ بانک را برای سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۰۴ جمع‌آوری کردند. قبل از سال ۱۹۷۸ همه بانک‌های چین زیرمجموعه‌ای از دولت بودند اما بعد از سال ۱۹۷۸ اصلاحات بانکی در چین آغاز گردید که اقدام اساسی آن بر اصلاح ساختار و عملیات سیستم بانکی چین تمرکز داشت. در مقاله مذکور شاخص‌هایی برای اثر بورس، تغییر مالکیت و اثر خصوصی‌سازی تحت عنوان متغیرهای مستقل و متغیرهای دارایی، نسبت درآمدهای غیربهره‌ای به کل درآمدها، نسبت وام‌های بین بانکی به کل دارایی‌ها نیز به عنوان متغیرهای کنترلی تعریف شده است. آن‌ها با به‌کارگیری متغیرهای یادشده، چهار متغیر که عملکرد بانک‌ها را نشان می‌دهد یعنی بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها، نسبت هزینه به درآمدهای عملیاتی و نسبت وام‌های غیرعملیاتی به کل وام‌ها را برای چهار بانک بزرگ دولتی، بانک سیاسی، بانک‌های داخلی با سهام مشترک (بدون تغییر مالکیت)، بانک‌های تجاری شهری (بدون تغییر مالکیت)، بانک‌های تجاری شهری که به مالکیت خارجی درآمده‌اند و بانک‌های خارجی چین و بانک‌هایی که به طور کامل با منابع خارجی تأمین مالی می‌شوند، در یک نمونه‌ی ۳۲۲ تایی از مشاهدات مورد بررسی قرار دادند، نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که؛ اولاً شاخص مالکیت در چهار بانک بزرگ دولتی به مراتب عملکرد ضعیف‌تری نسبت به بانک‌های تجاری شهری که سهام مشترک با خارج دارند، بانک‌های که به تازگی به مالکیت خارجی‌ها درآمده‌اند و بانک‌هایی با سرمایه خارجی دارند. ثانیاً شاخص بورس نشان می‌دهد که بانک‌های که حداقل بخشی از آن به مالکیت شرکت‌های خارجی درآمده‌اند عملکرد بهتری نسبت به قبل از تغییر مالکیت دارند. ثالثاً شاخص خصوصی‌سازی نیز نشان می‌دهد که بانک‌های تحت مالکیت خارجی یا عمومی، بعد از تغییر مالکیت بهبود عملکرد را تجربه نکرده‌اند که البته این نتیجه با دستاوردهای قبلی همخوانی ندارد.

لین و ژانگ^۱ (۲۰۰۹)

این دو محقق، تأثیر مالکیت را بر عملکرد بانک‌های بنگلادش مورد آزمون قرار دادند. کشور بنگلادش در دهه‌ی ۱۹۸۰ وارد اصلاحات مالی شد و عمده این اصلاحات در آغاز عمدتاً بر بخش بانکی متمرکز بود، به طوری که بسیاری از تغییرات مربوط به مالکیت، تمرکز بازار و اقدامات نظارتی و سیاست‌هایی بوده که به ارتقاء عملکرد بانک‌ها منجر شده است. نتایج آن‌ها نشان داد که کارایی درآمد به میزان ۳۷/۸۴ درصد و کارایی هزینه به میزان ۱۵/۲۸ درصد در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است. به طور مشابه عملکرد وام‌های غیرعملکردی و بازگشت سرمایه و بازده دارایی نیز نسبت به سال ۲۰۰۱ بهبود یافته است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که مالکیت خارجی، تأثیر مثبت معنی‌دار و قابل توجهی بر عملکرد بانک داشته است. از سوی دیگر مالکیت خصوصی اثرات مطلوب بر بهره‌وری درآمد، بازده دارایی و وام‌های غیرعملکرد داشته است درحالی که تأثیر منفی بر بهره‌وری هزینه دارد. همچنین رشد زیادی در تولید ناخالص ملی به واسطه اصلاحات ایجاد شد، به طوری که در سال ۲۰۰۸ تولید ناخالص ملی حدود ۷۴ درصد رسید. در نتیجه می‌توان گفت بانک‌ها نقش سازنده‌ای در فرایند توسعه اقتصادی کشور بنگلادش داشته‌اند.

بایرت با استفاده از یک مدل پنل دیتا، اثر مالکیت را روی عملکرد بانک‌های ترکیه مورد بررسی قرار داد. استدلال وی این بود که امروزه به دلیل تثبیت بانک‌ها در عرصه بین‌المللی و فعالیت‌های برون مرزی در سیستم بانکی تأثیر مالکیت خارجی بر عملکرد بانک توجه ویژه‌ای را به خود جلب نموده است، به طوری که در سال‌های اخیر مالکیت خارجی بانک‌ها در کشورهای در حال توسعه بطور قابل توجهی افزایش یافته است. بنابراین، این مطلب که آیا مالکیت خارجی منجر به بهبود عملکرد بانک می‌شود یا خیر در کشورهای در حال توسعه به عنوان یک سوال مهم مبنا قرار گرفته است. لذا در پژوهشی با هدف مقایسه عملکرد بانک‌های خارجی و ترکیه‌ای این مسأله را مورد بررسی قرار داد. هدف این مطالعه، بررسی تفاوتی است که بین عملکرد داخلی و خارجی بانک‌ها در ترکیه وجود دارد. ترکیه یک کشور در حال توسعه است که بازارهای مالی آن به طور کامل آزادند و بانک‌های خارجی می‌توانند آزادانه کارکنند. در پایان سال ۲۰۱۰، تعداد بانک‌های سپرده‌پذیر در ترکیه به ۳۲ عدد رسید. در سال ۲۰۱۰، ۱۴ بانک سپرده‌پذیر داخلی و ۱۷ بانک سپرده‌پذیر خارجی در آن وجود داشت. بانک‌های سپرده‌پذیر بالاترین سهم از کل دارایی و اعطای وام در بخش بانکداری ترکیه را به خود اختصاص دادند. ۹۷٪ از دارایی و ۹۶٪ درصد از وام در سال ۲۰۱۰ متعلق به بانک‌های سپرده‌پذیر بود. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌داد که بانک‌های داخلی به طور متوسط بهره‌وری پایین‌تری از بانک‌های خارجی داشتند.

بایرت^۱ (۲۰۱۳)

در این مطالعه با استفاده از نمونه‌ای مشتمل بر ۱۷۱ بانک تجاری از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در طول دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲، تأثیر مالکیت خارجی و دولتی بر ریسک بانکی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش منعکس‌کننده آن است که دولتی بودن مالکیت بانک‌ها، آنها را به ریسک‌پذیری بیشتری سوق می‌دهد. در حالی که مالکیت خارجی ریسک‌پذیری را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، در بانک‌های دولتی تمایل به افزایش سرمایه به منظور مقاوم بودن در مقابل ریسک‌های احتمالی بیشتر است. یافته‌های این پژوهشگر نشان حاکی از آن بود که پس از بحران ۲۰۰۸ همه مجموعه‌های سهامداران رویکرد محتاطانه‌ای نسبت به کاهش ریسک را در دستور کار سیاستگذاری‌های خود قرار داده‌اند.

لسود^۲ (۲۰۱۶)

اسامی محققین	توضیحات و مهم‌ترین یافته‌های مطالعه
آدرین عبدالرحمان و فریدا ^۱ مد رجا ^۲ (۲۰۱۵)	آن‌ها در مطالعه خود با استفاده از یک رگرسیون چندگانه انواع مختلف ساختار مالکیت از جمله مالکیت داخلی، خانوادگی، دولتی، سازمانی و خارجی را بر عملکرد بانک‌های مالزیایی مورد بررسی قرار دادند، نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که ساختارهای متفاوت مالکیت بانک‌ها، عملکردهای متفاوت بانکی را به همراه دارد. به طوری که مالکیت داخلی و مالکیت دولتی تأثیر معنی‌داری بر عملکرد بانک‌ها دارد، اما از آنجا که مالکیت نهادی تنها به بازده حقوق صاحبان سهام معنی‌دار و برای بازده دارایی‌ها معنی‌دار نمی‌باشد، نمی‌توان اثرات مالکیت نهادی را بر عملکرد بانک‌ها نتیجه‌گیری نمود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که مالکیت خانوادگی و مالکیت خارجی تأثیر قابل توجهی بر عملکرد بانک‌ها ندارد.
اباذر (۱۳۸۶)	وی در مطالعه‌ای، عملکرد ۶۵ بانک فعال در ۲۵ کشور را مورد بررسی قرار داد. وی با توجه به معیارهای مثل درآمد، بازدهی صاحبان سهام و حاشیه سود عملکرد بانک‌ها را قبل و بعد خصوصی‌سازی مورد بررسی قرار داد. نتایج مطالعه وی نشان داد که دولت‌ها در بیشتر موارد پس از عرضه سهام مالک اصلی بانک‌ها بوده و بیشتر کسب درآمد را دنبال می‌کنند و این نتیجه در اقتصادهای در حال توسعه نسبت به اقتصادهای توسعه نیافته بیشتر است. عملکرد مالی و عملیاتی بانک‌ها در بسیاری موارد بهبود یافته است به طوری که میانگین سودآوری و کارایی عملیاتی و درآمدهای غیربهره‌ای افزایش و درجه اهرم کاهش یافته است.

- گروه سوم: پژوهش‌هایی که تعاملات متقابل بین عملکرد بانک‌های دولتی و چرخه‌های سیاسی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند تا درجه مداخله سیاسی را بر عملکرد این نهادها مورد سنجش قرار دهند. دینک^۳ (۲۰۰۵) با استفاده از یک نمونه بین کشوری گسترده دریافت که در سال‌های انتخابات، سرعت اعتباردهی بانک‌های خصوصی کاهش یافته اما رشد اعتبارات بانک‌های دولتی ثابت باقی می‌ماند. کول^۴ (۲۰۰۸) نیز در مطالعه موردی هند به این نتیجه رسید که

1. Azureen Abdul Rahman
2. Farida Md Reja
3. Dinc
4. Cole

وام‌دهی توسط بانک‌های دولتی در سال‌های انتخابات افزایش می‌یابد. ساپینزا^۱ (۲۰۰۴) نشان داد که بانک‌های دولتی ایتالیا در ایالت‌هایی که حزب هیئت مدیره، قوی‌تر است، نرخ‌های بهره پایین‌تری بر وام‌ها وضع می‌کنند. در همین راستا، میکو و همکاران^۲ (۲۰۰۷) نشان دادند که نهادهای مالی دولتی، سودآوری کمتر و هزینه‌های بالاتری در مقایسه با بانک‌های تجاری دارند و این شکاف در طول سال‌های انتخابات بیشتر می‌شود.

همان‌طور که در بخش‌های قبلی بیان شد، نظریه‌های مختلفی در خصوص اثرگذاری نوع مالکیت بانک‌ها بر عملکرد آن‌ها وجود دارد، مطالعات متعددی نیز به آزمون آن‌ها پرداخته‌اند. هرچند نوع و چگونگی تأثیرگذاری و شدت آن در مطالعات مختلف، متفاوت می‌باشد، لیکن جملگی آن‌ها وجود رابطه معنی‌داری بین نوع مالکیت بانک و عملکرد آن را تأیید می‌نمایند. پژوهش‌های پراکنده‌ای نیز در خصوص نوع مالکیت بانک و تأثیر آن بر عملکرد بانک‌ها در داخل کشور صورت گرفته است، لیکن عمده آن‌ها اولاً بر گروه واحدی از بانک‌ها (خصوصی یا دولتی) تمرکز داشته‌اند و ثانیاً به کمک مدل‌های مرسوم پانل دیتا^۳، تحلیل پوشی داده‌ها^۴ و سلسه مراتبی^۵ انجام شده‌اند.

مطالعه حاضر در زمره دسته اول مطالعات فوق‌الذکر جای می‌گیرد و از یک جامعه آماری بزرگتر تشکیل شده است که شامل بانک‌های خصوصی، دولتی و خصوصی شده می‌باشد. این داده‌ها امکان مقایسه همزمان عملکرد بانک‌های مورد مطالعه را با توجه به نوع مالکیت آن‌ها فراهم می‌سازد. همچنین با اقتباس از الگوی مطالعه لین و ژانگ^۶ (۲۰۰۹) با ارایه شاخص‌های خصوصی‌سازی، تغییر مالکیت و فهرست شدن در بورس اوراق بهادار، الگوی جدیدی را به

1. Sapienza

2. Micco et al

3. panel data

4. Data Envelopment Analysis (DEA)

5. Analytic Hierarchy Process (AHP)

6. Lin, Zhang

۷. متدولوژی به کار گرفته شده در مطالعه لین و ژانگ مطابق الگوی معرفی شده در مطالعه برگر و همکاران (۲۰۰۵)

است. جهت مطالعه بیشتر به مقاله‌های یادشده در رفرنس مطالعه حاضر اشاره کامل شده است.

بررسی‌های این حوزه وارد نموده است. از آنجا که از مدل میانگین جمعیت معادلات برآوردی تعمیم یافته^۱ برای برآورد رگرسیون‌ها استفاده شده رویکرد نوینی را در خصوص مدل‌های سنجش این قبیل مطالعات فراهم نموده است.

پژوهش حاضر ضمن آزمون رابطه بین مالکیت بانک‌ها و عملکرد آنها برای ۱۷ بانک ایران، اولاً تفاوت عملکرد بانک‌های دولتی را با بانک‌هایی که از ابتدا خصوصی بوده‌اند مقایسه می‌کند. ثانیاً تفاوت عملکرد این دو گروه از بانک‌ها را با بانک‌های دولتی خصوصی شده به‌بوت‌ه آزمون می‌گذارد. ثالثاً اثر فهرست شدن در بورس اوراق بهادار را بر عملکرد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مورد نظر می‌سنجد.

۳. معرفی متغیرهای مدل و پایه‌های آماری

مشابه سایر مطالعات داخلی و خارجی (لین و ژانگ، ۲۰۰۹، جیانگ و همکاران^۲، ۲۰۰۹، آدین و سوزکی، ۲۰۱۱^۳، برگر و همکاران^۴، ۲۰۰۹، هنگ سون و همکاران، ۲۰۱۵) سه شاخص به‌عنوان متغیرهای عملکرد در نظر گرفته شده است: بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی و نسبت هزینه به درآمد عملیاتی. در ادامه متناسب با هر یک از این متغیرها، یک مدل پانل برآورد خواهد شد.

دارایی‌های بانک‌ها، نسبت تسهیلات به سپرده، نسبت نقدینگی (نسبت وجوه نقد به دارایی)، نسبت اهرمی (نسبت کل بدهی به حقوق صاحبان سهام)، نسبت حاشیه سود عملیاتی (نسبت سهم بانک از درآمدهای مشاع به کل درآمدها) و نسبت کل سپرده به کل بدهی‌ها که از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر هر مؤسسه مالی و اعتباری است (مشابه مطالعه لین و ژانگ، ۲۰۰۷، جیانگ و همکاران، ۲۰۰۹، آدین و سوزکی، ۲۰۱۱، برگر و همکاران، ۲۰۰۹، گزارش ارزیابی ریسک سیستم بانکی اروپا، ۲۰۱۶، و پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۶) به‌عنوان متغیرهای کنترل وارد مدل شده‌اند. برای ارزیابی اثر مالکیت، اثر خصوصی‌سازی و اثر وارد شدن در بورس از سه متغیر

1. population-averaged generalized estimating equations
2. Jiang et al
3. Uddin and Suzuki
4. Berger, Hasan & Zhou

دامی استفاده شده است (مشابه مطالعه هنگ سون و همکاران، ۲۰۱۵، لِن و ژانگ، ۲۰۰۷، جیانگ و همکاران، ۲۰۰۹، آدین و سوزکی، ۲۰۱۱، یوان سو و همکاران، ۲۰۰۶).

دوره زمانی مطالعه ۱۳۹۴-۱۳۸۳ است و اطلاعات تمامی بانک‌ها با مراجعه به پایگاه‌ها و منابع آماری مختلف نظیر گزیده آمارهای پولی و بانکی بانک مرکزی، پژوهشکده پولی و بانکی، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران و تراژنامه بانک‌ها گردآوری شده است.

جدول ۲. معرفی متغیرهای بکار گرفته شده در مطالعه حاضر

شاخص‌ها	تعریف عملیاتی
	نسبت هزینه به درآمد (Cost on Incom): نسبت هزینه کل به درآمد کل را نشان می‌دهد که به نوعی بیانگر کارایی هزینه‌های بانکی است و هر چه این نسبت کمتر باشد، بانک‌ها به لحاظ هزینه‌ای کارا تر هستند.
شاخص‌های عملکردی	بازده دارایی (Return on Asset): برابر نسبت سود به دارایی است. دارایی‌های بانک از بدهی و حقوق صاحبان سهام شامل شده‌اند و برای اداره وجوه بانک استفاده می‌شوند مقدار این نسبت نشان می‌دهد که بانک تا چه حد در تبدیل پولی که سرمایه‌گذاری نموده است به سود خالص موفق بوده است. مقدار بالای نسبت یادشده بهتر است زیرا بانک پول بیشتری را از سرمایه‌گذاری کمتری بدست آورده است.
	نسبت بازده حقوق صاحبان سهام (Return on equity): که از تقسیم سود به حقوق صاحبان سهام حاصل می‌شود. این نسبت، میزان کارایی یک بانک در خلق سود خالص برای سهامداران را نشان می‌دهد. در واقع این نسبت بیان می‌کند که بانک به ازای هر یک واحد سرمایه‌گذاری سهامداران، چه میزان سود خالص برای آنها کسب می‌کند.
	اثر ورود به بورس (Selection): برای سه بانک ملت و تجارت و صادرات که سهام‌هایشان به بورس رفته است از سال ورودشان به بورس (سال خصوصی‌سازی) یک و مابقی بانک‌های خصوصی و دولتی و بانک رفاه (که سهام آن در اختیار تأمین اجتماعی قرار گرفت) صفر لحاظ گردیده است. این شاخص اثر بورس را می‌سنجد.
شاخص‌های مستقل	اثر خصوصی‌سازی (Dynamic): متغیر دامی است که برای بانک‌هایی که در دوره مورد بررسی مشمول تغییر مالکیت شدند را تا سال خصوصی‌سازی و سال بعد خصوصی‌سازی صفر و بعد آن یک و برای تمامی بانک‌های خصوصی و دولتی که تغییر مالکیت را تجربه ننموده‌اند یک لحاظ گردیده است. این شاخص به نوعی خصوصی‌سازی را در مطالعه حاضر اندازه‌گیری می‌کند.

شاخص‌ها	تعریف عملیاتی
	<p>اثر مالکیت (Static): متغیری دامی است که برای بانک‌هایی که در دوره مورد بررسی تغییر مالکیت داشته‌اند یک و برای مابقی بانک‌ها، صفر در نظر گرفته شده است. این شاخص به نوعی اثر تغییر مالکیت را بر عملکرد بانک‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد.</p>
	<p>نسبت نقدینگی (Liquidity Ratio): نقدینگی عبارتست از توانایی بانک در تبدیل دارایی‌های غیر نقدی به وجه نقد و یا تحصیل وجه نقد به منظور پاسخگویی به تعهدات جاری خود. نقدینگی اصولاً مقوله‌ای کوتاه مدت است و از لحاظ دوره زمانی برابر یا کمتر از یک سال را شامل م‌شود. نسبت نقدینگی معمولاً شامل سه نوع نسبت جاری، آنی یا سریع و نسبت پول نقد می‌باشد که به جهت توانایی پرداخت تعهدات بانک در صورت به وجود آمدن موارد اضطراری نسبت پول نقد در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است. نسبت وجوه نقد به دارایی است.</p>
	<p>نسبت تسهیلات به سپرده (Facility to deposit): این نسبت در واقع چگونگی مدیریت منابع و مصارف بانک‌ها را نشان می‌دهد. براساس آمارهای بانک مرکزی بانک‌ها مجازند، پس از کسر سپرده قانونی بین ۷۵ تا ۸۰ درصد از منابع (سپرده‌ها) خود را به عنوان تسهیلات پرداخت می‌کنند. کاهش این نسبت به کاهش ارائه تسهیلات از جانب بانک‌ها و متغیرهای کنترلی سرانجام رکود اقتصادی منجر خواهد شد. به بیان بهتر این نسبت نشان می‌دهد که بانک چند درصد از سپرده‌های جذب شده از عموم مردم را تبدیل به سپرده‌هایی نموده است که از محل آن‌ها می‌تواند سود کسب نموده و درآمدهای مشاع خود را افزایش دهد. لذا مبرهن هست که هرچه این نسبت بیشتر باشد، درآمدهای مشاع بانک افزایش بیشتری خواهد داشت. افزایش این نسبت در کنار کاهش میزان مطالبات غیرجاری می‌تواند به روند بهبود منابع بانک‌ها و چرخش جریان نقدینگی در بازار پول کمک کند.</p>
	<p>دارایی‌های بانک (Asset): منابعی که دارای ارزش اقتصادی برای بانک هستند از جمله دارایی‌های نقد، مطالبات از بانک مرکزی، مطالبات از بانک‌ها و مؤسسات مالی، خالص تسهیلات اعطایی و مطالبات از بخش دولتی و غیردولتی و هرآنچه در ترازنامه بانک تحت عنوان دارایی ثبت می‌شود.</p>
	<p>نسبت کل سپرده به کل بدهی (Deposits in Liability): به منظور ارزیابی تأمین مالی بانک‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.</p>

شاخص‌ها	تعریف عملیاتی
<p>حاشیه سود عملیاتی بانک‌ها (Operating profit margin): این نسبت که از تقسیم سهم بانک از درآمدهای مشاع به کل درآمدهای مشاع بدست می‌آید نشان می‌دهد که همزمان بانک با چه هزینه‌ای توانست است سپرده جذب کند و چه میزان از کل منابع در اختیار خود (هزینه‌زا و منابع سهامدار) را استفاده نموده و چگونه توانسته است از این منابع سود بسازد. این نسبت درجه ریسک و کارایی بانک را نشان می‌دهد.</p>	<p>نسبت اهرمی (Leverage ratio): کل بدهی تقسیم بر حقوق صاحبان سهام. این نسبت مشخص می‌کند که چه رابطه‌ای بین طلبکاران و سهامداران وجود دارد و در واقع چه درصدی از بدهی‌ها به وسیله حقوق صاحبان سهام پوشش داده می‌شود. به عبارت بهتر این نسبت نشان می‌دهد که یک بانک برای تأمین مالی دارایی‌هایش چند برابر حقوق صاحبان سهام خود را قرض نموده است. هرچه این نسبت بالاتر باشد، ریسک سرمایه‌گذاری بالاتر است. از طرفی دیگر پایین بودن آن هم نشانگر بلوکه شدن بخشی از منابع مالی سهامداران و یا عدم موفقیت آن‌ها در جذب سپرده‌ها است. لذا پایین بودن آن ریسک کمتر بانک را مشخص می‌کند. به همین جهت هرچه نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام پایین تر باشد امتیاز بالاتری به بانک مربوط داده می‌شود.</p>

مأخذ: نماگرهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی (۱۳۹۶)؛ رضانزاد، (۱۳۸۹) گزارش‌های پژوهشکده پولی و مالی، ۱۳۹۴-۱۳۹۶

آمار توصیفی و تحلیلی بر نسبت‌های مالی بانک‌ها در ایران

توصیف گویه‌های متغیرهای مورد استفاده در مطالعه پیش‌رو به کمک نرم افزار SPSS.16 صورت گرفت که در جدول شماره (۳) گزارش شده است. در ادامه تحلیل مختصری از ارقام منتسب به نسبت‌های مالی سه گروه بانک در جدول مذکور ارائه می‌شود.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرها به تفکیک بانک‌های دولتی، خصوصی و خصوصی شده

متغیرها	نوع مالکیت	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار از میانگین	انحراف از معیار	بالاترین مقدار	کمترین مقدار
لگاریتم دارایی‌ها	خصوصی	۷۶	۴/۹۱	۰/۰۵۹	۰/۵۱۶	۶	۴
	دولتی	۶۶	۵/۲۹	۰/۰۶۸	۰/۵۵۵	۶	۴
نسبت حاشیه سود عملیاتی	خصوصی شده	۴۴	۵/۵۷	۰/۰۶۴	۰/۴۲۷	۶	۵
	خصوصی	۶۹	۲۴/۹۹	۳/۶۵۸	۳۰/۳۸۹	۱۸۲	۱
نسبت اهرمی	دولتی	۶۴	۴۴/۹۶	۳/۷۶۰	۳۰/۰۷۹	۱۳۹	۱
	خصوصی شده	۳۸	۲۲/۹۶	۲/۱۸۵	۱۳/۴۷۰	۵۳	۲
نسبت کل سپرده به کل بدهی	خصوصی	۷۷	۱۱۳۹/۴۷	۱۰۴/۳۹۰	۹۱۶/۰۱۷	۶۹۴۳	۳
	دولتی	۶۵	۳۷۱۵/۸۴	۱۴۱۵/۱۹۷	۱۱۴۰۹/۶۸۰	۶۹۸۵۱	۶۳
نسبت تسهیلات به سپرده	خصوصی شده	۴۴	۲۳۳۶/۴۷	۳۳۱/۹۲۵	۲۲۰/۱/۷۴۱	۱۴۶۹۶	۸۸۱
	خصوصی	۷۷	۱۱۰/۱۶	۱۷/۶۱۱	۱۵۴/۵۳۶	۹۱۷	۲
نسبت نقدینگی	دولتی	۶۶	۵۴/۰۳	۳/۱۳۷	۲۵/۴۸۲	۱۰۰	۲
	خصوصی شده	۴۴	۷۵/۴۶	۲/۱۴۶	۱۴/۲۳۸	۹۶	۳۰
نسبت بازده حقوق صاحبان سهام	خصوصی	۷۷	۲۰۰/۶۲	۶۱/۶۰۲	۵۴۰/۵۵۵	۴۲۹۳	۰
	دولتی	۶۶	۴۰۸/۶۳	۱۴۲/۵۸۹	۱۱۵۸/۳۹۶	۶۰۷۵	۴۶
نسبت بازده سود دارایی‌ها	خصوصی شده	۴۳	۸۲/۹۷	۲/۹۱۲	۱۹/۰۹۸	۱۳۰	۴۵
	خصوصی	۷۶	۰/۹۱	۰/۳۲۷	۱/۹۷۸	۱۶	۰
نسبت نقدینگی	دولتی	۶۶	۰/۹۹	۰/۱۰۱	۰/۸۱۷	۴	۰
	خصوصی شده	۴۴	۰/۹۹	۰/۰۹۸	۰/۶۵۲	۳	۰
نسبت بازده حقوق صاحبان سهام	خصوصی	۷۷	۲۲/۹۶	۱/۳۷۲	۱۲/۰۴۱	۶۱	۰
	دولتی	۶۵	۳۶/۶۵	۲۳/۰۹۳	۱۸۶/۱۸۳	۱۴۰۱	۰
نسبت بازده سود دارایی‌ها	خصوصی شده	۴۴	۱۵/۲۸	۲/۵۳۸	۱۶/۸۳۴	۸۹	۰
	خصوصی	۷۶	۲/۲۸	۰/۱۶۳	۱/۴۲۳	۸	۰
نسبت هزینه به درآمد	دولتی	۶۶	۱/۱۰	۰/۳۲۹	۲/۶۷۵	۱۶	۰
	خصوصی شده	۴۴	۰/۷۷	۰/۱۱۴	۰/۷۵۷	۵	۰
نسبت هزینه به درآمد	خصوصی	۷۶	۶۱/۸۶	۱۳/۸۹۰	۱۳۱/۰۸۷	۷۹۸	۲
	دولتی	۶۵	۸۱/۳۱	۳/۰۹۷	۲۴/۹۶۹	۱۱۱	۰
درآمد	خصوصی شده	۴۴	۸۲/۷۸	۱/۹۸۱	۱۳/۱۴۳	۱۴۱	۶۳

مأخذ: نتایج تحقیق

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، نسبت حاشیه سود عملیاتی در بانک‌های دولتی برابر ۴۴ درصد و در بانک‌های خصوصی برابر ۲۴ درصد و در بانک‌های دولتی خصوصی شده برابر ۲۲ درصد است. در واقع عددهای مربوط به حاشیه سود بیانگر این واقعیت هستند که بانک‌های دولتی خصوصی شده نسبت به دو گروه دیگر مدیریت موفق‌تری نسبت به هزینه‌های خود داشته‌اند. این وضعیت در بانک‌های خصوصی نسبت به بانک‌های دولتی نیز وضعیت مناسب‌تری دارد. همچنین اعداد مربوط به نسبت نقدینگی نیز حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی در پاسخ به تعهدات جاری خود نسبت به دو گروه دیگر وضعیت بهتر داشته‌اند (نسبت نقدینگی برابر ۰/۲). با این وجود این، این نسبت در بانک‌های دولتی نسبت به بانک‌های دولتی خصوصی شده بهتر است.

نگاهی به اعداد مربوط به حقوق صاحبان سهام بیانگر وضعیت بهتر سودآوری سهامداران در بانک‌های دولتی نسبت به وضعیت سهامداران در دو گروه دیگر است. البته وضعیت سودآوری سهامداران در بانک‌های خصوصی نسبت به بانک‌های دولتی خصوصی شده بهبود یافته است. نسبت‌های مالی یکی از ابزارهای قابل اتکا سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری است و می‌توانند برای بررسی عملکرد بانک‌ها مورد استفاده قرار بگیرند. با توجه به ارتباط معنی‌داری که بین این نسبت‌ها مشاهده می‌شود، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که بانک‌های دولتی از سودآوری پایین‌تر نقدشوندگی کمتر نسبت به بانک‌های خصوصی برخوردار هستند. همچنین بانک‌هایی که از ابتدا خصوصی بوده‌اند، کارایی بهتری نسبت به بانک‌هایی دارند که بعداً خصوصی بوده‌اند.

۴. برآورد مدل و یافته‌های تحقیق

روش‌شناسی مطالعه حاضر به تبعیت از مقاله لین و ژانگ (۲۰۰۹) و براساس مطالعه برگر و همکاران^۱ (۲۰۰۵) ارائه شده است و مطابق مطالعات یاد شده متغیرهای عملکرد و متغیرهای توضیح دهنده آن‌ها برگزیده شده‌اند.

1. Berger et all

باتوجه به نوع داده‌ها که طولی (پانلی) هستند و بین مشاهدات هر گروه همبستگی وجود داشته، لیکن بین گروه‌ها همبستگی مشاهده نمی‌شود، از مدل تجزیه و تحلیلی میانگین جمعیت معادلات برآوردی تعمیم یافته^۱ برای برآورد هر مدل استفاده شد. این مدل توسط ذِگِر و لیانگ^۲ در سال ۱۹۸۶ پایه‌ریزی شد. عنوان «میانگین جمعیت» به این واقعیت اشاره دارد که این مدل تغییر میانگین متغیر وابسته را، به ازای هر یک واحد افزایش در یک متغیر در کل جمعیت (پانل) محاسبه می‌کند. همچنین براساس این مدل‌ها، رگرسیون خطی تعمیم یافته از قید استقلال داده‌ها آزاد می‌شود. به بیان دیگر در روش معادلات برآوردی تعمیم یافته، همبستگی درون گروهی موجود با استفاده از ساختار همبستگی فرضی در تابع شبه درست‌نمایی^۳ مدل‌سازی می‌شود. پنج ساختار همبستگی اصلی مختلف وجود دارد که باتوجه ساختار داده‌های مطالعه حاضر از ساختار همبستگی مستقل^۴ و قابل مبادله^۵ استفاده شد. در ساختار همبستگی مستقل فرض می‌شود که همبستگی بین مشاهدات صفر است.

همچنین در ساختار همبستگی قابل مبادله نیز فرض می‌شود که باتوجه به دنباله‌ای محدود از مشاهدات، ترتیب دوباره این دنباله به همان اندازه ممکن است رخ دهد. به بیان ساده‌تر مشاهدات داخل هر گروه دارای همبستگی یکسانی هستند. این ساختارها به وسیله ماتریس واریانس - کواریانس توضیح داده شده‌اند (الیسون^۶، ۲۰۱۷، تویسک^۷، ۲۰۰۳ و لیانگ و زِگِر^۸، ۱۹۸۶). در ادامه و به منظور پاسخ به پرسش‌های محوری مقاله برآوردهای مورد هدف مطالعه انجام گرفته که

1. population-averaged generalised estimating equations
2. Zeger & Liang
3. Quasi Likelihood
4. Independent
5. Exchangeable
6. Allison
7. Twisk
8. Liang & Zeger

نتایج در جداول زیر ارائه شده است^۱. مقادیر p -value < 0.05 برای معناداری آماری ملاک قرار داده شده است.

به تبعیت از مقاله لین و ژانگ (۲۰۰۹) و لیو و چانگ^۲ (۲۰۱۳) و به منظور بررسی تأثیر نوع مالکیت بانک‌ها بر عملکرد بانک‌ها، سه رگرسیون زیر برآورد گردید که متغیر وابسته در هر یک از این معادلات، منعکس‌کننده شاخص عملکرد بانک‌ها است.

$$\text{col}^3_{it} = c + \beta_1 \text{Liquidity ratio}_{it} + \beta_2 \text{operating profit margin}_{it} + \beta_3 \text{static}_{it} + \beta_4 \text{dynamic}_{it} + \beta_5 \text{selection}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

$$\text{roa}^4_{it} = c + \beta_1 \log \text{Asset}_{it} + \beta_2 \text{Liquidity ratio}_{it} + \beta_3 \text{operating profit margin}_{it} + \beta_4 \text{static}_{it} + \beta_5 \text{dynamic}_{it} + \beta_6 \text{selection}_{it} \quad (2)$$

$$\text{roe}^5_{it} = c + \beta_1 \text{Liquidity ratio}_{it} + \beta_2 \text{Leverageratio}_{it} + \beta_3 \text{Deposits in Liability}_{it} + \beta_4 \text{static}_{it} + \beta_5 \text{dynamic}_{it} + \beta_6 \text{selection}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

همان‌طور که از جداول (۴) تا (۶) مشاهده می‌شود، برای هر سه متغیر عملکردی، باتوجه به مقدار و سطح معناداری آماره F ، فرضیه H_0 مبنی بر بی‌معنا بودن کل مدل (صفر بودن تمام ضرایب) رد می‌شود و لذا کل مدل معنادار است. لیکن ضریب تعیین R^2 برای همه مدل‌های مورد بحث حاکی از توضیح‌دهندگی متغیر وابسته توسط همه متغیرهای مستقل نبوده و برای هر مدل این نتیجه متفاوت است.

۱. مبانی نظری مدل‌های برآوردی تعمیم یافته که در مطالعه حاضر بکار گرفته شده است، موجود می‌باشد، اما باتوجه به حجم قابل توجه صفحات مطالعه حاضر و محدودیت‌های مطرح شده در فصلنامه، از آوردن آن‌ها خودداری و تنها به ارائه خلاصه‌ای از آن‌ها بسنده شده است.

2. Liu and Chang
3. Cost on Income
4. Return on Asset
5. Return on equity

نتایج نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی به طور معناداری روی نسبت هزینه به درآمد عملیاتی تأثیر داشته است (۵۶/۵۱). این تأثیرگذاری بر شاخص بازده دارایی‌ها (نسبت درآمد خالص به کل دارایی‌ها) هرچند چشمگیر نبوده، اما مثبت می‌باشد (۲/۳۴). در عین حال خصوصی‌سازی بر شاخص بازده حقوق صاحبان سهام اثری نداشته است.

جدول ۴. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون اول، متغیر عملکرد: هزینه - درآمد (% درصد)

R^2	تعدیل شده مدل	R^2	F	آماره (معناداری مدل)	متغیرهای توضیحی مدل				متغیر وابسته
					selection	dynamic	static	prob	
۰/۴۶	۰/۴۷	۳۳/۷	(۰/۰)	-۵۱/۳	۵۶/۵۱	۷۶/۱۹	۱۴/۷۲	-۰/۰۵	Cost on Incom
				(۰/۰۵)	(۰/۰)	(۰/۰)	(۰/۰۰۱)	(۰/۷)	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون دوم، متغیر عملکرد: بازده دارایی‌ها (% درصد)

R^2	تعدیل شده مدل	R^2	F	آماره (معناداری مدل)	متغیرهای توضیحی مدل				متغیر وابسته
					selection	dynamic	static	prob	
۰/۵۵	۰/۵۶	۲۸/۹۷	(۰/۰)	-۰/۶۱	۲/۳۴	۴/۱۵	-۰/۳	۰/۰۰۴	operating profit margin
				(۰/۰۳)	(۰/۰)	(۰/۰۱)	(۰/۰۲)	(۰/۰)	Return on Asset

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۶. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون سوم، متغیر عملکرد: بازده حقوق صاحبان سهام (% درصد)

R^2	تعدیل R^2	F	ضرایب و (prob) متغیرهای توضیحی مدل					متغیر وابسته
			(معناداری مدل)	مدل شده	مدل	Liquidity ratio	Leverage ratio	
۰/۷۶	۰/۷۷	۱۰۳/۳۸	۲۸/۰۸	-۲/۶۴	-۳۳/۴۳	-۴/۰۹	۰/۰۳	Return on equity
		(۰/۰)	(۰/۱)	(۰/۶)	(۰/۰۲)	(۰/۱)	(۰/۳)	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین تأثیر تغییر مالکیت بر نسبت هزینه به درآمد (۷۶/۱۹) و بازده دارایی‌ها (۴/۱۵) معنادار و مثبت برآورد شده است. اما تأثیر آن بر بازده حقوق صاحبان سهام منفی می‌باشد (۳۳/۴۳-). از سوی دیگر نگاه به جداول برآورد پیامد مهم دیگری را خاطر نشان می‌نماید و آن این که ورود سهام بانک‌های ملت، تجارت و صادرات به بورس اوراق بهادار بر بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی‌ها اثر معناداری نداشته (احتمال ضریب t به ترتیب برابر ۰/۱ درصد و ۰/۳ درصد حاکی از غیرمعناداری ضریب متغیر مربوط به وارد شدن به بورس است)، اما بر نسبت هزینه به درآمد اثر منفی داشته است (۵۱/۳-).

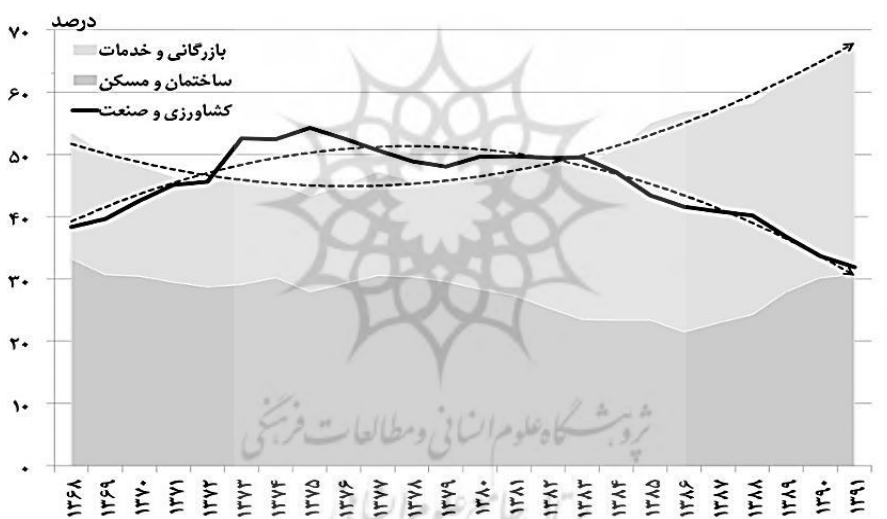
۵. جمع‌بندی و ارائه راهکارهای سیاستی

غالب مطالعات با اشاره به دلایل سیاسی و نظام بوروکراتیک خاص حاکم بر بانک‌های دولتی، حکم بر ضعیف‌تر بودن عملکرد بانک‌های دولتی نسبت به بانک‌های خصوصی داده‌اند. مروری بر عملکرد بانک‌ها در کشور (جدول ۳) طی سال‌های اخیر نیز حاکی از آن است که در اکثر نسبت‌های مالی مورد بحث، بانک‌های خصوصی از عملکرد بهتری نسبت به بانک‌های دولتی برخوردار بوده‌اند. البته تفاوت آنها چندان چشمگیر نبوده است.

همچنین، نتایج این مطالعه حاکی از آن است که خصوصی‌سازی، تغییر مالکیت (از دولتی به خصوصی) و وارد شدن سهام بانک‌ها به بورس اوراق بهادار، بر خلاف انتظار، منجر به بهبود عملکرد بانک‌ها نشده است و در برخی موارد خود مشکلاتی را در پی داشته است. این نتایج می‌تواند ناشی از عوامل زیر یا ترکیبی از آنها باشد که خود مستلزم بررسی‌های جداگانه‌ای است:

- روش واگذاری سهام بانک‌ها چندان موفقیت‌آمیز نبوده است چرا که عمدتاً دولت‌ها بخش کوچکی را به عنوان سهم خود حفظ می‌نمایند و از این طریق کنترل خود بر بانک‌های واگذار شده را حفظ می‌کنند.
- وضع تکالیف متعدد به ویژه برای بانک‌های دولتی: تکالیف متعددی از محل قوانین موجود (اعم از قوانین بودجه و سایر قوانین) و مصوبات دولت برای نظام بانکی تعیین شده است که از جمله آنها می‌توان به پرداخت تسهیلات برای خرید کالاهای اساسی شامل گندم داخلی و سایر محصولات کشاورزی، پرداخت سالانه ۲۰۰ هزار فقره تسهیلات برای مسکن روستایی با نرخ یارانه‌ای ۵ درصد، پرداخت سالانه ۳۰۰ هزار فقره تسهیلات جهت بازسازی بافت فرسوده شهری، پرداخت تسهیلات بابت مسکن نخبگان، پرداخت تسهیلات بابت مسکن مهر، الزام به پرداخت تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده، پرداخت تسهیلات به آسیب‌دیدگان حوادث غیرمترقبه با نرخ‌های یارانه‌ای اشاره نمود. تحت این شرایط که بانک‌ها ملزم به اعطای تسهیلات به اقشار خاص و یا پرداخت تسهیلات به طرح‌های معرفی شده از سوی کارگروه استان‌ها در سرفصل بنگاه‌های زودبازدهی هستند که گاهی دارای توجیه فنی و اقتصادی نیستند و احتمال نکول و معوق شدن وام‌ها در این موارد بیشتر است. این امر موجب بدتر شدن شاخص‌های عملکرد بانک‌های دولتی در مقایسه با بانک‌های خصوصی می‌شود. اگر چه ممکن است از نظر توسعه‌ای عملکرد این دسته از بانک‌ها قابل دفاع باشد که خود نیازمند بررسی‌های جداگانه‌ای است.
- متفاوت بودن ترکیب وام‌های اعطایی به فعالیت‌های مختلف اقتصادی: با مجاز شدن تأسیس بانک‌های خصوصی در برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور، در طول زمان بر تعداد بانک‌های

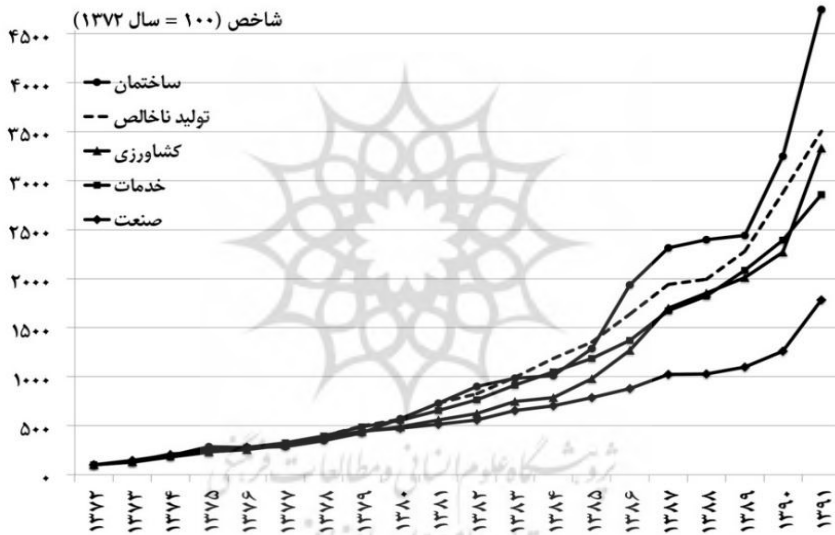
خصوصی کشور افزوده شده است. در اواخر دهه ۱۳۸۰ که بر شمار بانک‌های خصوصی افزوده شده، تغییر قابل ملاحظه‌ای در روند سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از مانده تسهیلات اعطایی رخ داده است به طوری که سهم بخش‌های کشاورزی و صنعت از مانده تسهیلات بانکی از حدود ۵۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به حدود ۳۰ درصد کاهش یافته و سهم تسهیلات اعطایی به بخش‌های بازرگانی، خدمات و مسکن از ۴۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به حدود ۷۰ درصد افزایش یافته است^۱ (به نمودار (۱) نگاه کنید). مروری بر آمارهای ارائه شده از سوی بانک مرکزی حاکی از آن است که بانک‌های خصوصی، نقش غالبی در هدایت منابع مالی به سمت بخش‌های بازرگانی، خدمات و مسکن داشته‌اند.



نمودار ۱. سهم بخش‌های مختلف اقتصادی غیردولتی از مانده تسهیلات اعطایی به بخش غیردولتی
 مأخذ: بانک مرکزی، گزیده آمارهای اقتصادی، بخش پولی و بانکی

۱. بررسی آثار و تبعات تغییر در تخصیص منابع و هدایت پس‌اندازها از بخش صنعت و کشاورزی به خدمات و ساختمان مطالعات دیگری را می‌طلبد و از حوصله مقاله حاضر خارج است.

تلفیق مشاهدات فوق با این واقعیت کلیدی در اقتصاد ایران که رشد شاخص‌های ضمنی بخش ساختمان و خدمات بالاتر از بخش‌های صنعت و کشاورزی است (به نمودار (۲) نگاه کنید) ما را به این یافته مهم رهنمون می‌سازد که به نظر می‌رسد بانک‌های خصوصی بدین دلیل از شاخص‌های عملکرد بهتری در مقایسه با بانک‌های دولتی برخوردارند که منابع را به سمت بخش‌هایی هدایت کرده‌اند که قدرت قیمت‌گذاری بالایی در مقایسه با کشاورزی و صنعت دارند، و لذا از استطاعت و توانایی بیشتری نیز برای پرداخت بهره‌های بالا به سیستم بانکی برخوردارند.



نمودار ۲. روند شاخص ضمنی تعدیل‌کننده بخش‌های اقتصادی کشور

مأخذ: بانک مرکزی، گزیده آمارهای اقتصادی

- **بدهی دولت به بانک‌های دولتی:** صرف نظر از دلایل ایجاد بدهی دولت به بانک‌ها، مروری بر آخرین آمارهای پولی و بانکی که توسط بانک مرکزی برای بهمن ۱۳۹۴ انتشار یافته است حاکی از آن است که بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی کشور ۱۱۷ هزار میلیارد تومان بوده است که ۳۲ هزار میلیارد تومان (۲۷ درصد) بدهی دولت به بانک‌های تجاری، ۳۸ هزار میلیارد تومان (۳۳ درصد) بدهی دولت به بانک‌های تخصصی و ۴۷ هزار میلیارد تومان (۴۰ درصد)

بدهی دولت به بانک‌های غیردولتی بوده است. بدین ترتیب همان‌طور که مشاهده می‌شود حدود ۴۰ درصد از بدهی دولت از بانک‌های غیردولتی تأمین شده است. این در حالی است که بدهی دولت به بانک‌های غیردولتی صرفاً ۳/۷ درصد از کل منابع این دسته از بانک‌ها را تشکیل می‌دهد حال آنکه حدود ۱۰ درصد از کل منابع بانک‌های تخصصی و ۹/۷ درصد از کل منابع بانک‌های تجاری را به خود اختصاص داده است. با توجه به این که طی سال‌های اخیر، بخشی از درآمدهای دولت به دلیل تحریم‌های اقتصادی محقق نشده است، لذا بدهی دولت به بانک‌ها به مثابه آن است که بخشی از منابع سیستم بانکی بلوکه شده و از توانایی بانک‌ها در اعطای وام کاسته شده است.

در پایان اضافه می‌شود که هر چند تکالیف وضع شده روی بانک‌های دولتی تا حدودی منجر به هدایت پس‌اندازها به سمت مصارفی می‌شود که نه تنها به توان تولیدی کشور نمی‌افزاید، بلکه انبوهی از مطالبات معوق را ایجاد می‌کند و سیستم بانکی را با چالش مواجه می‌نماید. اما این مطلب به آن معنی نیست که صرفاً به دلیل سهم پایین‌تر بانک‌های خصوصی در وام‌دهی به دولت، شاخص‌های عملکرد این بانک‌ها بهتر از بانک‌های دولتی یا بانک‌های خصوصی شده باشد بلکه برآوردها حاکی از آن است که زیان انباشته بانک‌های خصوصی بیش از بانک‌های دولتی است و الان در معرض ادغام با بانک‌های دیگر قرار گرفته‌اند. ضمن اینکه بانک‌های خصوصی به دلیل مشکلاتی که در صورت‌های مالی داشته‌اند در سال‌های اخیر به سختی مجمع را برگزار کرده‌اند و گاهی بانک مرکزی برای باز شدن نماد آنها در بورس با مسامحه اجازه تشکیل مجمع را داده است.

منابع

- اباذر، سروش (۱۳۸۶)، "بررسی عملکرد بانک‌های دولتی پس از واگذاری به بخش خصوصی (مورد کاوی بانک‌های خارجی)". مجله بورس. شماره ۶۷، صص ۵۴-۷۳.
- کمیحانی، اکبر (۱۳۸۲)، ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی سازی در ایران (چاپ اول). تهران: معاونت امور اقتصادی.
- اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا و نادر مهرگان (۱۳۹۳). اقتصاد سنجی پانل دیتا (چاپ چهارم). تهران: مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران.

عباسی نژاد، حسین (۱۳۸۰)، *اقتصادسنجی (مبانی و روش‌ها)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
زنگی آبادی، علی و رحمان علی حسینی (۱۳۸۹)، "سیر تحول بانکداری در ایران"، *بانک و اقتصاد*، شماره ۱۱۰.

شهیکی تاش و همکاران (۱۳۹۳) "خصوصی سازی بانک‌ها و تأثیر آن بر بهبود عملکرد و رشد اقتصادی"، *کنفرانس بین‌المللی و آنلاین اقتصاد سبز*، دانشگاه مازندران.

Andrianova S. et all, (2010), "Is Government Ownership of Banks Really Harmful to Growth?, Discussion Papers of DIW Berlin", *German Institute for Economic Research*.

Bayyurt N. (2013), "Ownership Effect on Bank's Performance: Multi Criteria Decision Making Approaches on Foreign and Domestic Turkish Banks", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, No. 99, pp. 919-928.

Shleifer A. and R.W. Vishny (1997) "A Survey Of Corporate Governance". *Journal of Finance*, Vol. 52, No. 2, pp. 737-783.

Berger A.N., Hasan I. and M. Zhou (2009), "Bank Ownership and Efficiency in China: What will Happen in the World's largest Nation?", *Journal of Banking and Finance*, No. 33, pp. 113-130.

Bonin J.P., Hasan I. and P. Wachtel (2002), "Privatization Matters: Bank Efficiency in Transition Countries". *William Davidson Institute*, Working Paper 679.

Cole S. (2008). "Fixing Market Failures or Fixing Elections?". *American Economic Journal: Applied Economics*, 1(1), pp. 219-50.

Cornett M.M., Guo L., Khaksari Sh. and H. Tehranian (2009). "The Impact of State Ownership on Performance Differences in Privately-Owned versus State-Owned Banks: An International Comparison". *Journal of Financial Intermediation*, Article in Press, Available in: https://www2.bc.edu/~tehranlh/Performance_Difference.pdf.

Demirgüç-Kunt A. and H. Huizinga (2000). "Determinants of Commercial Bank Interest Margins and Profitability: Some International Evidence". *World Bank Economic Review*, 13(2), pp. 379-408.

Dinc, S. (2005). "Politicians and Banks: Political Influences on Government-Owned Banks in Emerging Countries", *Journal of Financial Economics*, 77(2), pp. 453-79.

Körner T. and I. Schnabel (2010). "Public Ownership of Banks and Economic Growth-The Role of Heterogeneity". *Working Paper Series of the Max Planck Institute for Research on Collective Goods*, No. 41.

La Porta R., López-de-Silanes F. and A. Shleifer (2002). "Government Ownership of Banks". *Journal of Finance*, 57(2), pp. 265-301.

Lassoued N. (2016). "The Impact of State and Foreign Ownership on Banking Risk: Evidence from the MENA Countries". *Research in International Business and Finance*, No. 36, pp.167-187.

Levy-Yeiaty E., Micco A. and U. Panizza (2007). "A Reappraisal of State-Owned Banks. Economic", 7(2), pp. 209-247.

- Lin X. and Y. Zhang** (2009). "Bank Ownership Reform and Bank Performance in China". *Journal of Banking & Finance*, No. 33, pp. 20–29.
- Micco A. and U. Panizza** (2007). "Bank Ownership and Lending Behavior". *Economics Letter*, No. 93, pp. 248-254.
- Micco A., Panizza U. and M. Yañez** (2004). "Bank Ownership and Performance Inter-American Development Bank". *Research Department Working Paper*, No. 518.
- Micco A., Panizza U. and M. Yañez** (2007). "Bank Ownership and Performance: Does Politics Matter?". *Journal of Banking and Finance*, 31(1), pp. 219–41.
- Sapienza P.** (2004). "The Effects of Government Ownership on Bank Lending". *Journal of Financial Economics*, 72 (2), pp. 357-384.
- Uddin S. and Y. Suzuki** (2011). "Financial Reform, Ownership and Performance in Banking Industry: The Case of Bangladesh", *International Journal of Business and Management*, 6(7), pp. 28-39.
- Hong Son N.** (2015). "Impact of Ownership Structure and Bank Performance – An Empirical Test in Vietnamese Banks". *International Journal of Financial Research*, Vol. 6, No. 4. pp.123-133.
- Azureen Abdul Rahman N. and A. Farida Md Reja** (2015). "Ownership Structure and Bank Performance", *Journal of Economics, Business and Management*, Vol. 3, No.5, pp. 483-488.
- Liang K.Y. and S.L. Zeger** (1986). "Longitudinal Data Analysis Using Generalized Linear Models". *Biometrika*, No. 73, pp. 13–22.
- Twisk JWR** (2013). *Applied Longitudinal Data Analysis for Epidemiology*. 2nd ed. New York: Cambridge University Press.
- Liu ,Yi-cheng ,Yue-cune and Chang** (2013), "The Regional Performances of Agricultural Bank of China Applying GEE Method Multiple Linear Regression", *Journal of Applied Finance & Banking*, vol. 3, No. 5, pp. 39-53.
- Paul D.A.** (2017), "Longitudinal Data Analysis Using Stata", *Statiscle horizons*, pp.1-18.
- Berger A., Clarke G.R.G., Cull R., Klapper L. and G.F. Udell** (2005). "Corporate Governance and Bank Performance: A Joint Analysis of the Static, Selection and Dynamic Effects of Domestic, foreign and state Ownership". *Journal of Banking and Finance*, NO. 29, pp. 2179–2221.

جدول ۱. بانک‌های مورد مطالعه برحسب نوع فعالیت و تعداد شعب

تعداد	نام	نوع	سال	تعداد شعب	سال	سال ورود به بورس و اوراق بهادار
۱	بانک اقتصادنوین	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۸۰	۲۵۱		
۲	بانک پارسیان	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۸۰	۳۲۹		
۳	بانک پاسارگاد	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۸۴	۳۲۷		
۴	بانک سامان	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۷۸	۱۳۶		
۵	بانک سرمایه	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۸۴	۱۱۷		
۶	بانک سینا	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۶۴	۲۵۷		
۷	بانک کارآفرین	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۷۸	۱۰۷		
۸	بانک کشاورزی	بانک دولتی تخصصی و توسعه ای	۱۳۱۲	۱۸۸۸		
۹	بانک توسعه صادرات ایران	بانک دولتی تخصصی و توسعه ای	۱۳۷۱	۴۰		
۱۰	بانک ملی ایران	بانک دولتی تجاری	۱۲۸۵	۳۱۶۱		
۱۱	بانک مسکن	بانک دولتی تخصصی و توسعه ای	۱۳۱۷	۱۲۵۵		
۱۲	بانک صنعت و معدن	بانک دولتی تخصصی و توسعه ای	۱۳۳۵	۶۱		
۱۳	بانک سپه	بانک دولتی تجاری	۱۳۰۴	۱۷۰۳		
۱۴	بانک تجارت	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۵۸	۱۶۶۴	۱۳۸۷	۱۳۸۸
۱۵	بانک رفاه کارگران	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۴۰	۱۰۵۵	۱۳۹۱	وارد بورس نگردید.
۱۶	بانک صادرات ایران	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۳۱	۲۴۹۵	۱۳۸۸	
۱۷	بانک ملت	بانک غیردولتی تجاری	۱۳۵۸	۱۵۱۶	۱۳۸۸	

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آذر ۱۳۹۶